

اقسام هدایت در قرآن

يَهْدِي بِهٖ اِلٰهٌ مِّنْ اَتَمِّ رِضْوَانِهٖ سَبِيْلَ السَّلَامِ وَ يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ اِلَى النُّوْرِ بِاِذْنِهٖ وَ يَهْدِيهِمْ اِلَى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيْمٍ.

خداوند به وسیله آن (قرآن) هر کس را که از خوشنودی او پیروی کرده است به راههای سلامت هدایت می‌کند و آنها را به لطف خود از تاریکی‌ها به سوی نور بیرون می‌آورد و آنها را به راه راست رهنمون می‌شود. سوره مائده آیه ۱۶.

هر انسانی که از مادر متولد می‌شود تا وقتی که چشم از این جهان فرو می‌بندد، همواره تحت حمایت و ازشاد و هدایت الهی زندگی می‌کند و او چه مؤمن باشد چه کافر از این نعمت برخوردار است. منتهی گاهی از این نعمت استفاده می‌کند و به نور ایمان دست می‌یابد و گاهی یا کفران این نعمت، پایه دنیای کفر و ضلالت می‌گذارد.

باید دانست که هدایت الهی نه تنها شامل انسان می‌شود، بلکه حتی حیوانات و جمادات نیز به نوعی تحت هدایت الهی هستند.

به طوری که از آیات قرآنی استفاده می‌شود اساساً هدایت الهی چند نوع است:

۱- هدایت تکوینی:

این نوع هدایت الهی شامل تمامی اشیاء از جمادات و نبات و حیوان است و اساساً قوام و

اقسام هدایت در قرآن

پایداری هر چیزی و هماهنگی او با طبیعت در اثر همین هدایت است و اساساً نظام عالم آفرینش و تعادلی که در میان موجودات عالم برقرار است، بستگی به همین هدایت تکوینی الهی دارد. قرآن کریم از این نوع هدایت الهی چنین یاد می‌کند:

وَرَبَّنَا الَّذِي اَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى (۱)

(موسی و هارون گفتند) پروردگار ما کسی است که خلقت هر چیزی را به او عطا نمود و آنگاه هدایت کرد.

سُبْحٰنَ اسمِ رَبِّكَ الِاعْلٰی الَّذِی خَلَقَ فِی سَوٰیِّ وَا الَّذِی قَدَّرَ فِیهِ (۲)

پاکیزه بدار نام پروردگار برتر خود را، آن کس که آفرید، سپس راست کرد و تقدیر نمود، سپس هدایت کرد.

در اثر همین نوع هدایت است که هر موجودی جایگاه خاص خود را در طبیعت دارد و بخصوص گیاهان و حیوانات با راههای تغذیه و دفاع از خود آشنا هستند و حیوانات به کمک غرائز خود راه زندگی خود را می‌پیمایند و حتی انسان نیز در این نوع از هدایت با موجودات دیگر شریک است و بچه‌ای که از رحم مادر پایه دنیا می‌گذارد، در جستجوی غذا برای حفظ حیات خویش است و باگریه کردن، ناملازمات را به پدر و مادر خود خبر می‌دهد.

۲. هدایت عقلی:

خداوند علاوه بر هدایت تکوینی، انسان را به نوع دیگر از هدایت ممتاز کرده و آن هدایت عقلی است. عقل و اندیشه که از نعمتهای اختصاصی انسان در برابر حیوانات دیگر است، مانند چراغی راه زندگی را روشن می‌کند و انسان در تمام مراحل زندگی خود با چیدن چند مقدمه در کنار هم، به نتیجه‌هایی می‌رسد که تا آن زمان از آن بی‌خبر بوده است و به مدد عقل، راه بهتر زیستن و استفاده از نیروهای طبیعی را به دست می‌آورد. در این مورد می‌توان

۱- سوره طه، آیه ۵۰. ۲- سوره اعلی، آیات ۳۰-۳۱.

آیه زیر را شاهد آورده:

الم نجم له عینین و لسانا و شفتین و هدیناه النجدین (۱)

آیا به او دو چشم و یک زبان و دو لب ندادیم و آیا او را به دو بلندی هدایت نکردیم؟ خداوند با دادن چشم و زبان و سایر اعضای بدن همراه با عقل و قدرت تشخیص و ارزیابی آنچه از طریق همین اعضاء دریافت می‌کند و سنجش آنها با یکدیگر، انسان را در جهت راهیابی به سعادت و نجات، هدایت و کمک کرده است و انسان تنها حیوان متفکر و اندیشمند است و می‌تواند به استنتاج‌های عقلی و استنباط‌های فکری برسد و خیر و صلاح را تشخیص بدهد.

۳. هدایت تشریحی:

این نوع هدایت را خداوند با ارسال رسل و انزال کتب برای بشر ارزانی داشته است، خداوند متعال پیامبران خود را همراه با برنامه و قانون و کتاب فرستاده و آنها راه سعادت را به بشر نشان داده‌اند و انسان‌ها را به آنچه خیر و صلاح واقعی آنها در آن است، هدایت کرده‌اند. این نوع هدایت در قرآن کریم به صورتهای مختلفی ذکر شده است:

والله یقول الحق وهو یهدی السبیل (۲)

و خداوند حق را می‌گوید و همواره راه هدایت می‌کند.

هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق (۳)

خداوند کسی است که پیامبر خود را با هدایت و دین حق فرستاد.

وانك لتهدی الی صراط مستقیم (۴)

۱-سوره بلد، آیه ۱۰.  
۲-سوره توبه، آیه ۳۳.

۳-سوره احزاب، آیه ۴.  
۴-سوره شوری، آیه ۵۲.

اقسام هدایت در قرآن

و تو [ای پیامبر] هدایت می‌کنی به راه راست.

ان هذا القرآن یهدی للتی اقوم (۱)

حتماً این قرآن به راهی که درست است هدایت می‌کند.

این نوع هدایت الهی شامل حال تمام افراد بشر از مؤمن و کافر می‌باشد و دعوت پیامبران عام است، هم مؤمن و هم کافر به یک اندازه مخاطب پیامبران هستند، حال کسی خود را در مسیر این هدایت الهی قرار بدهد یا ندهد، آزاد و مختار است و هیچ‌گونه جبری در کار نیست.

انا هدیناه السبیل اما شاكرراً و اما

كفوراً (۲)

ما، او (انسان) را به راه هدایت کردیم خواه شکرگزار باشد یا ناسپاس.

۴. هدایت مخصوص مؤمنان

غیر از انواع هدایتهای سه‌گانه که ذکر شد، خداوند را هدایت ویژه‌ای است که اختصاص به مؤمنان و راهیان راه خدا دارد. وقتی کسی با اختیار و آزادی که دارد راه انبیاء را انتخاب نمود و به خدا و آیین او ایمان آورد و دل خود را در معرض تابش نور الهی قرار داد، در چنین صورتی خداوند قیاض با هدایتهای خاص خود چنین بنده‌ای

هر انسانی که از مادر متولد می‌شود تا وقتی که چشم از این جهان فرو می‌بندد، همواره تحت حمایت و ارشاد و هدایت الهی زندگی می‌کند و او چه مؤمن باشد چه کافر از این نعمت برخوردار است. متبتهی گاهی از این نعمت استفاده می‌کند و به نور ایمان دست می‌یابد و گاهی با کفران این نعمت، پا به دنیای کفر و ضلالت می‌گذارد. باید دانست که هدایت الهی نه تنها شامل انسان می‌شود، بلکه حتی حیوانات و جمادات نیز به نوعی تحت هدایت الهی هستند.

۲-سوره انسان، آیه ۳.

۱-سوره اسراء، آیه ۹.

را تواضع می دهد و او را بالا می برد و به مراحل عالی می رساند.

این نوع هدایت مخصوص آنهایی است که آگاهانه قدم در مسیر حق گذاشته اند و جان و دل را به رهنمودهای پیامبران سپرده اند. برای چنین کسانی خداوند وعده هدایتها و عنایتها را بیشتر داده است. درباره این نوع از هدایت، آیات بسیاری در قرآن کریم آمده است که چند آیه را به عنوان نمونه با هم می خوانیم:

و یزید الله الذین اهتدوا هدی (۱)

و خداوند بر هدایت کسانی که هدایت یافته اند، می افزاید.

و الذین اهتدوا زادهم هدی و آتاهم تقواهم (۲)

و کسانی که هدایت شدند خداوند بر هدایت آنها می افزاید و تقوایشان می دهد.

والذین جاهدوا فینا لنهیدینهم سبیلنا (۳)

و کسانی که در راه ما کوشش کردند آنها را به راههای خود هدایت خواهیم کرد.

یهدی به الله من اتبع رضوانه سبیل السلام (۴)

خداوند به وسیله آن (قرآن) هرکس را که از خشودی او پیروی کرده است، به راههای سلامت هدایت می کند.

در موارد متعددی قرآن کریم خود را مایه هدایت و رحمت برای گروه مؤمنان و مجتهدان و متقین و اسلام آورندگان و صاحبان یقین معرفی کرده است و از همین آیات استفاده می شود که قرآن علاوه بر هدایت عامی که برای همه بشر از مؤمن و کافر دارد، هدایت مخصوصی برای متقین و مؤمنین دارد.

همچنین در چندین آیه، خداوند از هدایت مخصوصی صحبت می کند که آن را، نه برای همه، بلکه برای کسانی که بخواهند، می دهد.

۱-سوره مریم، آیه ۷۶.

۲-سوره عنکبوت، آیه ۶۹.

۳-سوره محمد، آیه ۱۷.

۴-سوره مائده، آیه ۱۶.

والله یهدی من یشاء الی صراط مستقیم (۱)

و خداوند هرکس را که بخواهد به صراط مستقیم هدایت می کند.

و كذلك انزلناه آیات بینات و ان الله یهدی من یرید (۲)

و همچنین قرآن را به عنوان آیات بینات فرستادیم و محتماً خداوند هرکس را که اراده کند، هدایت می کند.

ذلك هدی الله یهدی به من یشاء (۳)

این هدایت خداست که بوسیله آن هرکس را که بخواهد، هدایت می کند.

در این آیات، هدایت الهی به اراده و مشیت خدا متعلق شده است و روشن است که مشیت الهی بدون ملاک و ضابطه نیست و بر اساس معیارهای حکیمانه است و بنابراین، مشیت او بر هدایت افرادی که راه او را رفته اند، تعلق می گیرد.

در اینجا نکته ای را تذکر می دهیم و آن این است که طبق آیات قرآنی هدایت مخصوص مؤمنان، قابل افزایش است. بنابر این وقتی در نماز می گوئیم: اهدنا الصراط المستقیم (ما را به راه راست هدایت فرما) منظور، افزودن بر مراتب هدایت است و یا این که منظور تجدد لحظه به لحظه هدایت الهی است که موجب ثابت ماندن در صراط مستقیم می شود.

### ۵. هدایت الزامی

نوع دیگری از هدایت الهی است که در مرحله امکان وجود دارد ولی هرگز به مرحله وقوع نرسیده است و آن هدایت الزامی و اجباری همه افراد روی زمین است به گونه ای که تمام مردم چه بخواهند و چه نخواهند به خدا و پیامبر او ایمان بیاورند. خداوند قدرت چنین کاری را دارد ولی هیچ وقت آن را انجام نداده و نخواهد داد. آیاتی

۱-سوره بقره، آیه ۲۱۳.

۲-سوره زمر، آیه ۲۳.

۳-سوره حج، آیه ۱۶.

که به این معنی دلالت دارد متعدد است، از جمله این آیات:

قل. قلَّه الحیجة البالغة فلو شاء لهداکم اجمعین (۱)

بگو پس برای خداست حجت فراگیر، پس اگر بخواهد همه شما را هدایت می‌کند.

ولو شاء ربک لآمن من فی الأرض کلهم جمیعاً (۲)

و اگر پروردگار تو بخواهد همه مردم روی زمین هدایت می‌شوند.

اقلم یشس الذین آمنوا ان لو یشاء الله لهدی الناس جمیعاً (۳)

ایا مؤمنان مایوس نشدند از اینکه اگر خدا بخواهد مردم همگی هدایت می‌شوند.

آری خداوند قدرت هدایت عموم مردم را دارد همانگونه که در تکوینیات چنین است و مثلاً حرکت ستارگان و گردش منظومه های شمسی و حتی کار بعضی از اعضای بدن انسان مانند قلب و دستگاه هاضمه بر اساس هدایت الزامی خداوند است و اراده هیچ موجودی در آنها اثر ندارد و خللی در کار آنها وارد نمی‌کند.

اما خداوند در مورد هدایت تشریحی با این که قدرت الزام و اجبار را دارد، چنین نکرده است و انسانها را در انتخاب راه از چاه آزاد گذارده و البته ابزار تشخیص را هم به آنها داده و به وسیله پیامبران آنها را به راه راست دعوت نموده است. اگر خداوند چنین کاری را انجام می‌داد و همه را خواه و ناخواه و ادار به ایمان می‌کرد، مسأله تکلیف باطل می‌شد و افراد خوب از بد تمییز داده نمی‌شدند و در واقع اگر چنین کاری صورت می‌گرفت، ایمان آوردن اجباری کافران امتیازی برای آنها نبود ولی حق کسانی که از روی اختیار ایمان می‌آوردند، ضایع می‌شد.

۲-سوره یونس، آیه ۹۹.

۱-سوره انعام، آیه ۱۶۹.

۳-سوره رعد، آیه ۳۱.